



کارکرد تمثیل عرفانی «وحدت» در گلشن راز شیخ محمود شبستری و تزئینات معماری گنبد سلطانیه

ابوالفضل بختیار^۱ ID، ژایلا صراطی^۲ ID، ایوب کوشان^۳ ID

^۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران، bakhtyar@iaushab.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران، zh.serati@ianshab.ac.ir

^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، kooshan@iaut.ac.ir

چکیده

تمثیل در حوزه ادبیات عرفانی از جمله مهم‌ترین مبانی کاربردی در تبیین حقایق عارفانه محسوب می‌گردد. از این‌رو، عرفا برای بیان رموز عرفانی و کنایه‌ی ملزم به استفاده از زبان تمثیل می‌باشند. از میان اصطلاحات صوفیانه، تمثیل عرفانی «وحدت» به‌عنوان یکی از کاربردی‌ترین تعبیرات عارفانه در گلشن راز شیخ محمود شبستری مطرح است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. از منظر عرفایی چون شیخ محمود شبستری انسان همانند قطره‌ای از دریای وحدت الهی در این جهان باید مراحل طی کند که در سلوک نظری و تصفیه باطن (سلوک عملی) بتواند در مراتب معرفت شهودی به وحدانیت حق نائل گردد؛ چراکه با وجود تعیناتی که در ظاهر این جهان و کائنات می‌بینیم، در حقیقت کثرات به مانند ذراتی جزوی از کل مطلق محسوب می‌گردند و تبیین این مسئله از تمثیل وحدت و ترکیبات آن در گلشن راز به‌عنوان نقطه عطفی در عرفان شیخ محمود شبستری تجلی می‌نماید. همچنین در تزئینات گنبد سلطانیه نیز نمودهای واضحی از وحدت عارفانه در نقوش هندسی و گیاهی وجود دارد.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین کارکرد تمثیل عرفانی وحدت و ترکیبات آن در گلشن راز از منظر شیخ محمود شبستری.
۲. بررسی عرفانی وحدت و ترکیبات آن در گلشن راز و تزئینات گنبد سلطانیه.

سؤالات پژوهش:

۱. تمثیل وحدت در گلشن راز شیخ محمود شبستری در چه مفهومی استفاده شده است؟
۲. آیا کاربرد تمثیل وحدت در گلشن راز و تزئینات گنبد سلطانیه چه جلوه‌های دیگری هم دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۵

دوره ۲۱

صفحه ۲۲۹ الی ۲۴۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

گلشن راز، شیخ محمود شبستری، عرفان، تمثیل، وحدت.

ارجاع به این مقاله

بختیار، ابوالفضل، صراطی، ژایلا و کوشان، ایوب. (۱۴۰۳). تطبیق کارکرد تمثیل عرفانی وحدت در گلشن راز شیخ محمود شبستری و تزئینات معماری گنبد سلطانیه. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۵)، ۲۲۹-۲۴۸.



doi.org/10.22034/IAS.2023.394888.2188



dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.394888.2188

مقدمه

مثنوی گلشن راز شیخ محمود شبستری به‌عنوان یکی از زیباترین و ارزشمندترین اشعار عارفانه فارسی، در میان مجموعه آثار این عارف نامی شهرت به‌سزایی دارد. شیخ این مثنوی را در سال ۷۱۰ ه.ق در پاسخ به هجده سؤال عارفی خراسانی به‌نام امیر حسینی هروی می‌سراید و در هزار بیت سؤالات وی را با مضامینی ناب و عرف فلسفی پاسخ داده و ضمن آن با بیان تمثیلات مختلف از اصطلاحات عرفانی نیز در لابه‌لای این اثر مهم بهره می‌جوید. در مثنوی عارفانه گلشن راز، تمثیلات گوناگون عرفانی در باب مسائل نظری از دیدگاه شیخ مطرح شده و از این حیث به‌عنوان یکی از ارزشمندترین آثار در ادب صوفیانه به‌شمار می‌آید. از میان تمثیلات عارفانه در گلشن راز، اصطلاح عرفانی «وحدت» نمود خاصی به خود گرفته است و به جهت اهمیت آن محور اصلی این مقاله در مورد تمثیل عرفانی وحدت و متغیرهای این اصطلاح می‌باشد. شایان ذکر است بررسی و شناسایی این تعبیر عرفانی در این اثر ارزشمند علاوه‌بر جنبه‌های بلاغی و زیباشناسی آن می‌تواند به تعریف دقیق و کامل این اصطلاح و دیگر ترکیبات به‌کار رفته آن بپردازد. در این تحقیق به بررسی ابعاد و ترکیبات مختلفی از این تمثیل عارفانه و ترکیبات آن از منظر شیخ محمود شبستری خواهیم پرداخت.

نقش و جایگاه خاص اندیشه‌های عرفانی در کلام شیخ محمود شبستری باعث گردیده که تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای در شرح و تبیینی کلام عرفانی این عارف بزرگ صورت بگیرد. علی‌الخصوص در مورد اصطلاحات و تمثیلات به‌کار رفته در گلشن راز تحقیقات مبسوطی در میان شرح مختلف این اثر به چشم می‌خورد. نگارنده در این مقاله با استفاده از نسخه‌های مختلف و شروح و توضیحات متنوعی که در این زمینه انجام یافته، یکی از تمثیلات مهم و کاربردی را به‌عنوان نمونه‌ای از اصطلاحات عرفانی انتخاب نموده، و به تحلیل و بررسی در مورد آن می‌پردازد.

در این زمینه با گزینش تمثیل عرفانی وحدت به‌واسطه نتایج به‌دست‌آمده این اصطلاح مورد تحقیق قرار می‌گیرد. هرچند که در اکثر منابع و مآخذ موجود در این مورد به مفاهیم کلی در شروح مختلف آن پرداخته شده است ولی در این مقاله سعی گردیده که بررسی کارکرد تمثیل وحدت به‌صورت اخص و مستقل صورت پذیرفته و حاصل نتایج به‌دست آمده به‌صورت مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد.

مهم‌ترین کتاب‌ها در این زمینه در لابلای شروح مختلف از این اثر ارزشمند عبارت‌اند از: حدیث بی کم و بیش محمد کاظم باغملایی - مفاتیح الاعجاز محمد لاهیجی - شرح ساده گلشن راز بهروز ثروتیان - شرح گلشن علامه سید محمود طباطبایی - شرح گلشن راز کاظم دزفولیان - هزار گنج حسن امین لو - شرح اجمالی اشعار گلشن راز رجب علی زمانی - فراسوی ایمان و کفر از لئونارد لوزن.

تبیین کارکرد تمثیل عرفانی وحدت و ترکیبات آن در گلشن راز از منظر شیخ محمود شبستری به همراه بررسی و تحلیل نمونه‌هایی از این تمثیل و وحدت در تزئینات معماری گنبد سلطانیه هدف اصلی در نگارش این مقاله بوده است.

باتوجه به اینکه مثنوی عارفانه گلشن راز شیخ محمود شبستری در حوزه ادبیات عرفانی از این ارزش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و نیز به‌عنوان نمونه‌ای جامع از رموز و تمثیلات صوفیانه در ادب عرفانی مطرح می‌باشد، از این حیث، کارکرد تمثیلات و کنایات عرفانی در کلام این عارف بزرگوار، ضرورت انجام این پژوهش به‌همراه نمونه‌هایی از تمثیلات این اثر ارزشمند آشکار می‌گردد. در این میان، تلاش نگارنده در این مورد بر آن بوده که از بین مباحث بلاغی، کاربرد تمثیل وحدت را به‌عنوان نمودی از اصطلاحات عرفانی در گلشن راز مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

هرچند که در مورد گلشن راز شیخ محمود شبستری و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی به‌کار رفته در این مثنوی ارزشمند، تحقیقات زیادی صورت گرفته و در لابه‌لای شروح مختلف کمابیش به توضیحاتی نیز اشاراتی شده است اما با تمام این‌ها به‌طور مستقل در زمینه مفهوم و معانی تمثیل عرفانی وحدت در گلشن راز به مباحث مرتبط به این موضوع به‌طور کامل اخص پرداخته نشده و نگارنده در این پژوهش سعی دارد تمثیل عرفانی وحدت را با ترکیبات مختلف آن از دیدگاه خاصی که شیخ شبستری در قالب اشعار خویش گنجانده به‌طور مجمل و مستقل در این مورد به بررسی و تحلیل آن بپردازد.

از آنجایی که محل سکونت و تحصیل پژوهنده در نزدیکی زادگاه و مرقد این عارف نامی یعنی شبستر بوده و نیز علاقه به مباحث و آراء عرفانی باعث گردید که نگارنده مقاله خود را در زمینه یکی از تمثیلات مهم عرفانی، یعنی اصطلاح وحدت در گلشن راز شیخ محمود شبستری انتخاب نمود و با بررسی و تحلیل ابعاد عرفانی این اثر بی‌نظیر، نمونه‌هایی از اشعار را از باب تمثیل عرفانی وحدت در آن بررسی کرده و سپس با آغاز مطالعه شروع به تحقیق نماید. چنانکه با تطبیق شروح مختلف گلشن راز نمونه‌هایی از تمثیل عرفانی وحدت و ترکیبات این اصطلاح را استخراج نموده؛ سپس با گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و به شکل توصیفی با به‌کارگیری منابع مهم و دست اول در این مورد به تنظیم و تدوین مطالب پرداخته است.

۱. در مورد شیخ محمود شبستری و گلشن راز

شیخ سعدالدین محمود شبستری (۷۲۰-۶۸۷) از عرفای مشهور قرن هشتم که مقبره‌اش در شبستر آذربایجان شرقی، زیارتگاه مریدان و اهل طریقت بوده و به‌طور قطع می‌توان گفت این عارف نامی نقش بسیار تأثیرگذاری در گسترش عرفان اسلامی در منطقه آذربایجان داشته است. آثار این عارف بزرگ به‌صورت مجموعه‌ای کامل به چاپ رسیده که از میان گلشن راز، حق‌الیقین، مرآت‌المحققین، سعادت‌نامه، کنزالحقایق به‌طور حتم جزو آثار متقن شیخ بوده ولی دو اثر دیگر به نام‌های سعادت‌نامه و رساله شاهدنامه را هم به وی منتسب کرده‌اند که با این وجود، این مسئله در تذکره‌ها به اثبات نرسیده است (ر.ک. زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۳۱۹).

از این میان مهم‌ترین و زیباترین اثر شیخ محمود، گلشن راز به‌عنوان یکی از آثار مهم در ادب صوفیانه است که وی آن را در سال ۷۱۷ ه.ق در پاسخ به هجده سؤال از پرسش‌های یکی از عارفان نامی خراسان به‌نام امیر حسینی هروی در هزار بیت می‌سراید:

به اقسام هنر چون چشمه نور

بزرگی کاندرا آنجا هست مشهور

فرستاده بر ارباب معنی

نوشته نامه ای در باب معنی

شیخ شبستری در گلشن راز ضمن پاسخ به سؤالات امیری هروی به شرح و تبیین موضوعات مختلف عرفانی و فلسفی نیز مبادرت نموده و ضمن تلفیق سروده‌هایش با عقاید عرفانی و نیز افکار و آراء فلسفی یونانیان، به شرح و تفسیر رموز و کشف نمادهای عارفانه نیز می‌پردازد و از این حیث می‌توان گلشن راز را به‌عنوان فرهنگی جامع از اصول و مبانی عرفان و فلسفه یاد نمود. البته این دیدگاه‌های عرفانی، فلسفی شیخ چنان که از آثارش برمی‌آید در نظر به عقاید عارفان معروفی چون ابن‌عربی و عطار بوده است و از این لحاظ لحن بیانش در گلشن راز به زبان عطار بسیار شبیه شده است. گلشن راز در طی ادوار گذشته به زبان‌های مختلف انگلیسی (وین فیلد) آلمانی (هامر پورگشتال - دکتر تولوک) ترکی (محمود حلوی) و نیز بسیاری از زبان‌های دیگر ترجمه شده و همچنین شروح و تحقیقات فراوانی در تبیین این اثر عرفانی نفیس به نگارش درآمده است.

۲. زبان عرفانی در تمثیلات گلشن راز

چنان‌که می‌دانیم بیان مفاهیم صوفیانه و عرفانی در تفهیم و تبیین مضامین به‌کار رفته در ادبیات عرفانی، نیازمند زبانی رمزآلود و استفاده از مفاهیم کنایه و استعاره می‌باشد. به همین جهت یکی از ویژگی‌های سبکی در کلام عارفان، استفاده از زبان تمثیل است شیخ می‌گوید:

کجا بیند مر او را لفظ غایت

ندارد عالم معنا نهایت

کجا تعبیر لفظی یابد او را

هر آن معنی که شد از ذوق پیدا

لازم به ذکر است که تمثیل در علوم بلاغی نتیجه ارتباط بین مشبه و مشبه‌به محسوب می‌گردد و این امر در اصل به دو صورت شکل می‌پذیرد: یا تنها مشبه‌به در نمودی از یک تشبیه ذکر می‌شود و مخاطب با درک مفاهیم آن تمثیل متوجه مشبه خواهد شد و یا اینکه با استفاده از «تشبیه تمثیلی» مشبه و مشبه‌به در کلام ذکر نشده و در این صورت تنها یک حالت کلی‌تر از تمثیل را به شکل استعاری و کنایه به‌وجود می‌آورد.

شبستری می‌گوید:

که عاشق را زنامش صد نظاره است

مجاز مرسل و یا استعاره است

که اشیاء جمله دروی گشته مجموع

در این علم آن حقیقت هست موضوع

اغلب شاعران و سخن‌وران برای بیان مقاصد و نیز تأثیر زیباشناختی در کلام خود، معمولاً از زبان غیرمستقیم به روش‌های بلاغی بهره می‌جویند و به این وسیله با به‌کارگیری علوم بلاغی و فنون ادبی می‌توانند سخن خویش را به زیباترین و شیواترین حد ممکن برسانند.

این مسئله به خصوص در حوزه ادبیات صوفیانه در به کارگیری از تمثیلات عارفانه نمود خاصی به خود می‌گیرد و به همین دلیل یکی از عوامل اصلی در استفاده از تمثیلات در کلام عرفاً توجه به رمزگرایی بوده که امری بیرون از ادراک حسی و عقلی می‌باشد و باعث می‌شود که ادراک اصطلاحات عارفانه تنها از راه رمز و اشاره و بیان تمثیل قابل دریافت گردد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی گرایش شاعران صوفی به اصطلاحات عرفانی و تمثیلات گوناگون با زبان کنایه و رمز را در همین موضوع می‌توان جست‌وجو کرد. از این‌رو، در حوزه بلاغت و زیباییشناسی از میان آثار شیخ محمود شبستری، مثنوی عارفانه گلشن راز به جهت استفاده از ظرایف بلاغی و معانی و بیان به خصوص در به کارگیری تمثیلات عرفانی در مرتبه والایی قرار گرفته و این امر باعث گردیده که کلام شیخ محشون از رموز و تمثیلات مختلف عارفانه گردد.

تا جایی که تسلط شیخ به مبانی عرفانی و دینی به همراه بیان ظرایف عارفانه و فلسفی در حوزه بلاغت در آمیخته و از این حیث مفاهیم عرفانی در گلشن راز به زیباترین صورت با عنوان «تمثیل یا قاعده» از میان جواب‌ها متمایز می‌گردد؛ در این میان، تمثیل عرفانی وحدت از جمله تعبیرات و اصطلاحات مهم به کار رفته در این اثر ارزشمند محسوب می‌گردد که در این مقاله به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم.

کارکرد تمثیل «وحدت» در گلشن راز:

از آن گلشن گرفتم شمه ای باز نهادم نام او را گلشن راز

در او از راز دل گل‌ها شکفته است که تا اکنون کسی دیگر نگفته است

مثنوی گلشن راز شیخ محمود شبستری در حوزه ادبیات عارفانه و نیز تبیین علوم فلسفی توانسته است به واسطه امثال و شواهد مختلفی از رموز عرفانی، فلسفی در قالب یک فرهنگ و یا شاید بهتر بگوییم یک دائره‌المعارف مهم در باب تمثیلات و اصطلاحات عارفانه محسوب گردد. و از این حیث زبان شیخ محمود در بیان حقایق عرفانی در گلشن راز به واسطه استفاده از تمثیل، سراسر رمز، کنایه و استعاره می‌باشد به عنوان مثال:

بت و زنار و ترسایی در این کوی همه کفر است و گر نه چیست؟ برگوی

بت اینجا مظهر عشق است و وحدت بود زنار بستنی عقد خدمت

شبستری به این ترتیب با بیان عقاید عرفانی و دیدگاه فلسفی خود تمثیلات زیبایی را در گلشن راز می‌آفریند؛ چنان‌که با تفسیر عرفانی، فلسفی در این مورد، نسبت به آفریننده و جهان هستی زبان شعری خود را هرچه رساتر به اوج می‌رساند:

جهان را سر به سر آینه‌ای دان به هر یک ذره‌ای هر مهر تا بان

همچنین در نگرش وی در تمثیلی به صفات الهی، زیبایی‌های خداوند را در معشوقکان زمینی جست‌وجو می‌کند:

رخ و زلف بتان راز آن دو بهر است

صفات حق تعالی لطف و قهر است

در نظر وی عالم هستی نیز تمثیلی از تجلی ذات حق است و هر ذره‌ای از وجود باری تعالی در وحدت با بنیاد ذاتی جهان متجلی می‌گردد:

جمال جان فزای روی جانان

به زیر پرده‌ای هر ذره پنهان

در میان تمثیلات مهم عرفانی به‌کار رفته در گلشن راز تمثیل وحدت به‌عنوان یکی از کاربردی‌ترین و مهم‌ترین اصطلاحات عرفانی در این اثر فاخر محسوب می‌گردد. در عقاید شیخ محمود همانند سایر عارفان معتقد به وحدت تجلی وحدانیت در این جهان به این مفهوم است که درواقع تنها یک حقیقت و یک وجود داریم که اصالت یگانه دارد و دیگر تعینات در این جهان از ظهورات آن وجود واحد منشاء پیدا می‌کند و آن وجودی هم‌تا ذات مقدس و یگانه باری تعالی است و دیگر موجودات و تعینات به‌صورت اسماً و صفات و مظاهر آن‌ها از وجود مطلق الهی تجلی پیدا می‌کنند؛ چنان‌که از منظر عرفایی چون شیخ محمود شبستری تنها یک وجود و یک اصالت و یک ذات نامحدود بیشتر نداریم و آن تنها ذات اقدس خداوند متعال است.

که در جهان و کثرات آن تجلی پیدا کرده است؛ چنان‌که در عالم وحدت تعینات نیز بدون وجود آن حقیقت مطلق به شمار نمی‌آیند و حتی در مبحث حلول و اتحاد هم تنها آن یک اصل مطلق معنی و مفهوم پیدا می‌کند و لاغیر.

که در وحدت دویی عینی ظلال است

حلول و اتحاد اینجا محال است

نه هر چه آن می‌نماید عینی بود است

وجود خلق و کثرت در نمود است

در اینجا به نمونه‌هایی از تمثیل وحدت و ترکیبات آن در مثنوی گلشن راز اشاره می‌کنیم:

دو چشم فلسفی چون بود احوال زوحدت دیدن حق شد معطل

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۱۰۴)

منظور از تمثیل در این بیت بیان اندیشه‌های فلسفی در باب مبحث علت و معلول می‌باشد و اشاره به این دارد که حقیقتی واحد در تمامی موجودات جاری بوده و آن حقیقت، تجلی وجود حضرت حق است که واجب‌الوجود بوده و از ممکن‌الوجود متمایز می‌گردد. شاعر در اینجا دو چشم فلاسفه را در تماشای ظاهر و باطن دنیا از هم جدا می‌بیند و به همین خاطر با بیان تمثیل عرفانی وحدت این فلاسفه را جزو آرا و باورها می‌معتله و باطل محسوب می‌گرداند.

در حقیقت به همین خاطر به وحدت حق دست نمی‌یابند. «دو چشم فلسفی را احوال گفتن اشارت بدان دارد که در ظاهر و باطن، وحدت حق را ندیده بلکه در هر دو جانب شریک اثبات کرده، چه در باطن اثبات مجردات کرده و در وجود و صفات سلبی، قابل به غیریت ثبت و شرکت شده و در ظاهر مادیات و جسمانیات اثبات نموده و ... و ادراک

نکرده است که یک ذات و یک حقیقت است که متجلی اسم الظاهر در جمیع مظاهر ظهور کرده و به نقش همه برآمده و در دار وجود غیر او دیاری نیست» (لاهیجی، ۱۳۸۵: ۶۹).

مولانا نیز در بیان اندیشه‌های فلسفی در ارتباط با استدلال آن‌ها را با پای چوبین توصیف می‌نماید: «پای استدلالیان چوبین بود».

حدیث ما سوی الله را رها کن
به عقل خویش این را زآن جدا کن
چه شک آری در این کاین چون خیال است
که با وحدت دویی عین محال است

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۷۱۳)

سؤال در این ابیات از انسان‌هایی است که در مورد وحدت شک و تردید داشته و جهان هستی را امری واقعی تصویر می‌کنند. درحالی‌که به نظر شیخ، این دنیا تنها نمودی ظاهری داشته و عین خیال و تصویری باطل می‌باشد. در این تمثیل وی خطاب به انسان‌ها می‌گوید که این هستی همانند خیالی زودگذر و بی‌اعتبار است و اظهار دوگانگی در برابر وحدت از محالات محسوب می‌گردد، زیرا دوگانگی در وحدت راهی نداشته و تنها ذات الهی است که به‌عنوان هست مطلق و حقیقتی بی‌مانند هرگز تغییر نمی‌کند و همیشه به یک صورتی است؛ درحالی‌که هر چیزی غیر از خدا را باید نیست مطلق تلقی نمود و هر چیزی در مقابلش جزو محالات قرار دارد.

در نظر وی عالم کثرات در واقع نمود آن حقیقت مطلق هستند و انسان اگر عاقلانه تفکر کند می‌تواند خداوند را از آفریده‌هایش جدا کند. از این‌رو توصیه می‌کند که تنها باید با عقل سنجید که هر چیزی غیر خدا باطل و هیچ است. شیخ در بیت بعدی با بیان تمثیل وحدت می‌گوید که جهان مانند تصویری بیش نیست و تعینات دنیوی در آن عین خیالات است و در مقابل وجود مطلق تنها اوست که همیشه واجب‌الوجود بوده و غیر از آن هر چه باشد در مقابل یگانگی خدا معدوم می‌نماید.

در نظر شیخ کثرت در موجودات جهان در عین وحدت عینیت پیدا می‌کند و در غیر این صورت تصور کثرات و تعینات در وجود غیرممکن می‌باشد؛ چراکه تنها هستی مطلق خداوند است.

شود با وجه باقی غیر هالک
یکی گردد سلوک و سیر سالک
حلول و اتحاد از غیر خیزد
ولی وحدت همه از سیر خیزد

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۴۵۲ و ۴۵۳)

استنباط از تمثیل عرفانی وحدت در این دو بیت بر آن است که در مقابل اعتقاد به یگانگی و وحدت الهی نظر به دوگانگی و کثرت و گمراهی محسوب می‌گردد. چنانکه وقتی عارف با سیر و سلوک خویش به وحدت می‌رسد، اغیار را رها می‌کند و در این صورت در اتحاد با معشوق خویش در ذات حضرت حق محو می‌گردد؛ بنابراین به مصداق آیه ۹۶

سوره نحل «کل شی هالک الا وجهه» این تمثیل عینیت می‌یابد که هرکسی به وجه الله برسد، نابود نمی‌شود و در سیر و سلوک به وحدت، حلول و اتحادی وجود ندارد بلکه در آنجا همه‌چیز یکی است پس انسان صورتی از جلوه نور الهی بوده و این یگانگی به‌خاطر حلول حق در وجود انسان نیست؛ چراکه حلول و اتحاد از آمیختگی دو چیز به‌وجود می‌آید؛ در صورتی که رسیدن به مرتبه وحدت به‌واسطه سیر و سلوک معنوی به‌دست می‌آید و این تمثیل بدان معناست که بدون سیر و سلوک روحانی رسیدن به شهود معنوی ممکن نمی‌باشد.

«حلول و اتحاد به آن معنی که گذشت از غیر می‌خیزد، یعنی حاصل می‌شود، زیرا که مدام دو چیز نباشد که یکی در دیگری حال شود، حلول نیست و مادام که دو چیز نباشد که یکی به آن دیگر متحد گردد، اتحاد نیست» (لاهیجی، ۱۳۸۵: ۳۲۰).

عطار نیز می‌گوید:

اینجا حلول کفر بود اتحاد هم کاین وحدتی است لیک به تکرار آمده

اینجا چه جای وصف حلول است و اتحاد کاین یک حقیقت است به اطوار آمده

من و ما و تو و او هست یک چیز که در وحدت نباشد هیچ تمییز

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۴۴۹)

تمثیل عارفانه وحدت در این بیت به این مطلب عرفانی اشاره دارد که در عالم وحدت همه‌چیز تماماً به یک ذات واحد می‌رسند و آن تجلی ذات الهی است؛ در این صورت است که منیت هر چیزی در عین کثرت از بین می‌رود و کل هستی به یگانگی و اتحاد در حقیقت واحدی نائل می‌گردد زیرا در مرتبه وحدت تمییز و تشخیص، نشانه کثرت و غیریت است. در صورتی که ذات وحدت از دوگانگی و غیر جداست؛ بنابراین من، ما، تو و او در واقع به یک ذات و یک حقیقت واحد تبدیل شده و این‌ها دیگر قابل تفکیک از هم نیستند چون در مرحله وحدت هیچ تمییزی وجود ندارد. شاعر در جای دیگر می‌گوید:

من و تو بی من و تو ما و شماست همه یک ذات و کثرت از اسماست

طبق این تمثیل از نظر شیخ در عالم وحدت هیچ نوع تفریقی وجود ندارد و همگی در حقیقت در عالم یگانگی به یکی می‌رسند.

«بیش از یک حقیقت و هستی در عالم وجود ندارد و هر چیز دیگری که در دنیاست مظهر آن حقیقت هستند.» (لاهیجی، ۱۳۸۵: ۲۸۸)

محقق را که وحدت در شهود است نخستین نظر، بر نور وجود است

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۸۴)

شیخ تمثیل دیگری از وحدت را در شهود می‌داند و می‌گوید که عارف کاملی که از مرحله کثرت به مقام وحدت رسیده در واقع حقیقت چیزها بر او ظاهر گشته و به مرتبه مشاهده رسیده است؛ چنین انسانی در تمام موجودات هستی نمود خدا را به عینیه می‌بیند و نور وجود خداوند را در حقیقت جهان نظاره می‌نماید. از این حیث، تنها حق است که وجود مطلق بوده و به همین دلیل تنها کسی که از کثرات و تعینات عبور کرده به مشاهده نور الهی نائل می‌گردد و در چنین حالتی آینه تمام نمای وجود حق می‌گردد.

«عارفی که حقیقت اشیا بر او آشکار شده و کشف کرده و از مظاهر صور و مادی گذشته و به مقام توحید رسیده است در تمام موجودات هستی، حق را مشاهده می‌کند و در نگاه اول نور وجود خداوند هستی بخش هست» (لاهیجی، ۱۳۸۵: ۵۹).

شیخ در جای دیگر می‌گوید:

به هر چه می‌نگرم صورت تو می‌بینم
از آن که در نظرم جملگی تو می‌آیی

پس در تمثیل اصطلاح وحدت در این بیت در می‌یابیم که انسانی که به کشف حقایق الهی رسیده است، یگانگی خدا را به صورت آشکار حس می‌کند و جلوه‌های نور الهی بر او متجلی می‌گردد؛ چرا که در مرتبه وحدت، آگاهی از اسرار الهی تنها از راه اشراق و شهود بدست آمده و انوار وجود خداوندی بر محقق راه حق جلوه‌گر می‌شود.

«محقق آن مرد کاملی است که حقیقت چیزها را آنچنان که هستند مشاهده می‌کند. او به مرتبه کشف الهی رسیده و می‌بیند که غیر از وجود واحد مطلق هستی دیگری نیست» (همان‌جا: ۵۸).

۳. تقابل وحدت و کثرت

بود موجود را کثرت برونی
که از وحدت ندارد جز درونی

وجود کل ز کثرت گشت ظاهر
که او در وحدت جزو است ساتر

شیخ محمود شبستری در پاسخ یکی از سؤالات در جوابی عارفانه، تمثیل اصطلاح وحدت را در مقابل کثرت قرار می‌دهد. در نظر وی کثرت مسئله‌ای آشکار و قابل لمس می‌باشد که تعیین و نمود دارد و جزو صفات بیرونی و محسوس برای یک پدیده است ولی یک امر وحدانی، تنها مسئله‌ای درونی و باطنی را شامل می‌گردد و این امر حتی در ظاهر نیز آشکار نمی‌شود در نظر عرفایی چون شیخ تمام موجودات و کائنات نمودی ظاهری از وجود حقیقت حق است و این کثرات و اختلافاتی که در پدیده‌های جهان می‌بینیم در عین وحدانیت امری بیرونی بوده که به صورت کثرات در عالم هستی ظهور یافته است.

«کثرت و اختلافات موجودات یک امر بیرونی و ظاهری است و درواقع حقیقت واحد است که به صورت کثرت در عالم بیرون تظاهر می‌نماید» (امینی‌لو، ۱۳۸۳: ۲۷۹).

شاعر در بیت دوم با بیان تمثیل وحدت می‌گوید که تمام موجودات این جهان زیردست یک حقیقت واحد قرار دارند اما این وجود کلی از پدیده‌ها درواقع نمودار حقیقت مطلق خداست که به صورت کثرت ظاهر گشته‌اند.

«موجودات دو وجه دارند: جزء وجود و جزء عدم. پس وجود کل پوشاننده و حاجب جزء وجود می‌باشد و جزء وجود همان وحدت است» (همان).

تمثیل وحدت در این جا نیز نشانگر حقیقتی واحد است که تمامی کثرت و تعینات را تحت سیطره خود قرار می‌دهد پس وجود مطلق به صورت جزوی در هر موجودی عینیت دارد و هستی و وجود حقیقتی تمام موجودات یکی می‌باشد. به طوری که در این مثال موجودات به صورت کل در جهان هستی بی‌شمارند ولی کل یک امر عارفی است. و این بسیاری تنها در ظاهر پدیده‌هاست. در صورتی که همه آن‌ها زیر دست واجب‌الوجودند و خود واجب‌الوجود هم جزو اصلی آن کل است. وی در جای دیگری می‌گوید:

وجود کل کثیر واحد آمد
کثیر از روی کثرت می‌نماید
به وحدت در نباشد هیچ کثرت
دو نقطه نبود اندر اصل وحدت

(شبستری، ۱۳۸۶: ۷۹۵)

در این تمثیل شیخ نمودی دیگر از مسئله وحدت و کثرت را در مقابل هم بیان می‌دارد و می‌گوید که هیچ کثرت و دوگانگی در عالم وحدت وجود ندارد. او ضمن مثالی یگانگی در عالم وحدت را به نقطه واحدی تشبیه کرده و دوگانگی را همچون دو نقطه ای تصور می‌کند که در عالم وحدت و یگانگی راهی ندارد. پس در نظر وی حرکت از اصل یک نقطه یعنی وحدت آغاز می‌گردد ولی دوگانگی با یکی بودن سازگاری ندارد. لاهیجی در شرح این بیت می‌گوید:

«در وحدت حقیقتی اصلاً کثرت و دویی را هیچ‌گونه گنجایی نیست و در اصل وحدت، دو نقطه متصور نیست که باشد و نمی‌تواند بود و الا وحدت نباشد» (لاهیجی، ۱۳۸۵: ۵۰۱)

اگر روی خطش بینی تو بی شک
بدانی کثرت از وحدت یکایک

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۷۸۵)

شیخ برای نمود وحدت از کثرت تمثیل دیگری از وحدانیت را ذکر می‌کند وی با اشاره به لزوم توجه به زیبایی‌های معشوق می‌گوید که برای درک کثرت از وحدت باید به طور کامل به مظاهر زیبای الهی توجه کنی، زیرا دیدار این تجلیات و نظر به زیبایی‌های معشوق می‌تواند ما را در فهم رموز وحدت الهی و تشخیص آن از کثرت و تعینات یاری دهد.

«اگر سالک به دقت روی و خط معشوق را مشاهده کند بی‌هیچ شک و شبهه‌ای می‌تواند وحدت را از کثرت بازشناسد»
(محمد باغملایی، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

در این صورت انسان به شناسایی رازهای ناشناخته الهی دست می‌یابد و به این نتیجه می‌رسد که چگونه تمامی تعینات و تکثرات از مسئله وحدت مطلق سرچشمه می‌گیرند.

«برای فهم کثرت از وحدت، بی‌گمان دیدن روی و خط او بس است. یعنی روی او مظهر و نماد وحدت و خط او نشان و رمز کثرت است» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۳۰۴).

در او عکسی شد اندر حال حاصل

عدم چون گشت حسی را مقابل

یکی را چون شمردی گشت بسیار

شد آن وحدت از این کثرت پدیدار

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۱۳۶)

در این ابیات شاعر با استفاده از تشبیه تمثیلی عدم را به آینه ای مانند کرده که عکس جهان در آن بازتاب دارد و انسان را همانند چشم جهان و پروردگار را هم مثل چشم پنهان در آن متصور می‌گردد. این بیت اشاره به این حدیث قدسی دارد که: «کنت کنزاً مخفياً فاجبت ان اعرف، فخلقت الخلق لکی اعرف»

در این تمثیل مراد از وحدت، یگانگی ذات الهی و نیز منظور از کثرت همان موجودات بی‌شمار عالم است و تعینات و کثرات از وحدت به‌وجود آمده‌اند.

«عین تو نموداری از واحد و کثیر هستی، هر یک از جهتی چنان که نور ذات احد به عالم ظهور پیوسته تو پدیدار آمده ای که مجموعه ای هستی و اگر بازگردی همان نور به اصل خود باز گردد و تو واحد هستی» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۱۶۳).
در بیت بعدی در تکمیل سخن خود می‌گوید که عدد واحد و یک را هر قدر که بشماری زیاد می‌شود و کثرت و تعدد در واقع از عدد یک به‌وجود می‌آید؛ بنابراین جهان از وحدت به کثرت رسیده و این تکثیرات و تعینات از وحدت مطلق بوده و منشاء و ریشه تمام آنها، ذات حق است.

«با وجود آن که در صورت کثرات و تعینات ظهور کرده و هیچ کثرتی در حقیقت آن وحدت لازم نیامد مثل واحد که دوبار بشماری دو شود و سه بار بشماری سه شود و .. از بسیاری شمردن ذات واحد به حقیقت کسر نمی‌گردد»
(لاهیجی، ۱۳۸۵: ۹۳).

تو آن واحد که عین کثرت آمد

تو آن جمعی که عینی وحدت آمد

شاعر در این بیت ضمن بیان تمثیل وحدت در عین کثرت و نیز کثرت در وحدت خطاب به انسان می‌گوید که ای انسان تو به‌واسطه رسیدن به اتحاد و فانی شدن در حق به عین وحدت می‌رسی. در این مرحله از وحدت است که همه چیز در کثرت به واحد تبدیل شده و به یگانگی نایل می‌گردد.

«تو آن جمع و مجموعه صفات و نام‌های الهی هستی که عین و خود وحدت است. تو آن واحد و یکی هستی که خود بسیار هستی» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

سپس شیخ در نمود وحدت در این بیت، انسان را به وجود آمده از اسماً و صفات الهی می‌داند موجودی که از ذات مطلق بوجود آمده و درواقع تمثیلی از وحدت هست که در عین کثرت، نموداری از وحدانیت خداوند و نمونه بارزی از آن در مجموعه جهان هستی بوده و سرانجامش در بازگشت به اصل خود و رسیدن به همان وحدانیت است همچنین گوید:

گر بسی بینی عددگر اندکی آن یک باشد در این ره در یکی

«بدانکه ذات احدیت در مراتب و مظاهر به لباس اسماء و صفات و مظاهر جسمانی و روحانی ملتبس گشته و در پرده تبعینات محتجب گردیده است» (امینی‌لو، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

۴. سایر ترکیبات تمثیل وحدت در گلشن راز

علاوه بر تمثیل وحدت، از متغیرهای این اصطلاح عرفانی در گلشن راز به ترکیبات دیگری برمی‌خوریم که به‌عنوان نمونه عبارت‌اند از:

دریای وحدت، سر وحدت، نقطه وحدت، قدس وحدت و ...

در اینجا به نمونه‌هایی از این ترکیبات در تمثیل عرفانی وحدت می‌پردازیم:

دریای وحدت

چو دریایی است وحدت لیک پر خون کز و خیز و هزاران موج مجنون

نگر تا قطره ای باران زد دریا چگونه یافت چندین شکل و اسماً

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۴۹۹ و ۵۰۰)

در این تمثیل، وحدت به دریای موج و پرخونی تشبیه شده است که هزاران موج از عاشقان خونین کفن مثل مجنون از آن بیرون می‌آید. این دریا دائماً در تلاطم و فنا و تجدید است ... تشبیه تمثیلی در اینجا از همانندی وحدت به دریایی است که کشتگانی چون مجنون در میان امواج آن به فنا رسیده‌اند. این امواج درواقع همان کثرات و تعیناتی هستند که عاشقان در میان تلاطم آن غوطه‌ورند.

«درواقع وحدت همان دریاست و امواج هم که اعتباریند عالم کثرات است» (امینی‌لو، ۱۳۸۳: ۲۲۹).

«وحدت دریایی است که کثرت و جهان نمود به هزاران هزار جلوه و گونه از آن برمی‌خیزد و این همه اشیاء نمودهای گوناگون هستی می‌یابند» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۲۲۰). در اینجا منظور از موج مجنون تلاطم امواج ناآرام است و شاعر در این تمثیل وحدت را به دریایی پرخون مانند کرده که امواج متلاطمی داشته و نیز جهان کثرت و نمود پدیده‌های آن را به دریای ناآرام تشبیه نموده که تعینات آن گوناگون بوده و این تنوع در تلاطم امواج، نشانه‌ای از اضداد و کثرات جهان هستی می‌باشد.

بحر وحدت

یکی از بحر وحدت گفت انا الحق

یکی از قرب و بعد و سیر زروق

(شبستری، ۱۳۸۶: بیت ۲۶)

در اینجا شاعر در نمادی از تمثیل وحدت آن را به دریایی تشبیه کرده که کشتگانی همچون حسین بن منصور حلاج دارد. کسانی مثل حلاج که برای نفی وجود خود و اثبات وحدانیت «انا الحق» را بر زبان جاری می‌کردند و خود را در وجود خداوند فانی نموده و همه وجودشان را در وحدانیت حق فنا کردند.

«در اعتقاد صوفیان دو نفر از انا الحق سخن راند، یکی از آن‌ها به حق و دیگری به ناحق. کسی که از روی حقیقت انا الحق گفت حسین بن منصور حلاج عارف قرن چهارم بود و آنکه ناروا گفت فرعون بود» (باغملایی، ۱۳۸۹: ۴۵).

«اناالحق» نشانی از نفی وجود خود و ثابت کردن حق است. به همین جهت که حلاج همه چیز را در ذات الهی می‌دانست آن را بر زبان راند و فرعون هم به خاطر اظهار هیئت و عناد اناالحق می‌گفت. در نظر شبستری حلاج این کلام را به حق ذکر نمود و در نتیجه به مصداق قطره و دریا در دریای حق فانی گشت ولی فرعون چون به ناحق گفت به عذاب الهی دچار گشت.

«معرفت حقیقی آن است که سالک در بحر وحدت مستغرق گردد. ذات احدیت مانند دریایی است و انسان کامل مانند قطره ای از این دریاست که تعیین یافته است. در معرفت حقیقی قطره به دریا می‌رسد و در آن غرق می‌شود و در این حالت قطره و دریا یکی می‌شود» (امینی لو، ۱۳۸۳: ۳۹).

«قرب عبارت است از سیر قطره به جانب دریا و وصول به مقصود حقیقی. بعد عبارت است از وابسته بودن به صفات بشری که موجب دوری از حق است. سیر زروق، گذشتی از موج‌های کثرت و رسیدن به مقام وحدت، زروق، کشتی تعیین انسانی» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۵۳).

شیخ شبستری در گلشن راز می‌گوید:

ذرات کون و پرتو خورشید مطلق است

در بحر عشق جمله جهان همچو زروق است

سر وحدت

محقق بود از سر وحدت واقف حق	در او پیدا نماید وجه مطلق
که شد بر سر وحدت واقف آخر	شناسای چه آمد عارف آخر
کسی بر سر وحدت گشت واقف	که او واقف نشد اندر مواقف

در مجموعه این ابیات شیخ از تمثیل عرفانی وحدت استنباطی روشنگرانه بیان می‌دارد و معتقد است که حق به ذات و صفات و اسماً در انسان کامل تجلی نموده و چنین شخص وارسته ای در واقع افعال حق را یافته و عین وحدت شده است؛ چراکه زمانی عارف به حقایق و اسرار الهی آگاهی می‌یابد که از مراحل سیر و سلوک به تجلی حق برسد. پس کسانی از رازهای وحدت الهی آگاهند که این مراحل را طی نمایند.

«پس هر آینه واقف و عارف حق به سر وحدت شده است، زیرا که کمال معرفت چیزی وقتی میسر می‌گردد که عین آن چیز گردد» (لاهیجی، ۱۳۸۸: ۲۸۷).

«کسی می‌تواند بر سر وحدت واقف و آگاه شود که از مقاصد دو جهانی مجرد گردد و از جمیع مراتب و مواقف و تعینات و کثرات به طریق سلوک و ارشاد کامل درگذرد» (دزفولیان، ۱۳۸۹: ۲۹۴). سؤال شاعر در بیت دوم تمثیلی از سرانجام اسرار وحدت و نیز عارفی است که در این راه طی مراتب و منازل می‌کند. در جواب این سؤال شیخ در پاسخی عارفانه وحدت را در تمثیلی تشبیهی به‌عنوان رازی معرفی می‌نماید که هر کسی توفیق آگاهی از آن رموز را نداشته و وقوف به رازهای وحدت پوشیده بوده و شناسایی آن بدون طی مراتب در این مقام میسر نمی‌باشد. «پس باید که اول ترک هوای نفسانی و لذات جسمانی کرد تا بتوان به مراتب قلبی و مشاهده ملکوتیان رسید و از مرتبه ملکوتیان نیز باید عبور کرد تا به منازل جبروتی و تجلیات اسمایی و صفاتی رسید و باید از مراتب اسماً و صفات نیز ترقی نموده تا به تجلی ذات رسید و در آن صورت سر وحدت بر سالک ظاهر می‌شود» (دزفولیان، ۱۳۸۹: ۲۹۴).

اشاره شاعر در بیت سوم در تمثیل وحدت به این مسئله است که تنها کسی که پرده‌های این جهانی را کنار برند و سیر و سلوک معنوی را ادامه دهد، می‌تواند به راز وحدت الهی دست پیدا کند. «در هر مرتبه تعینی را که به‌صورت حجاب است کنار بزند، اگر در مرتبه ای از مراتب متوقف شود وصول او به حقیقت ناماوم خواهد ماند» (امینی‌لو، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

نقطه وحدت

به فصل آمد صفت‌های ذمیمه	بترسد از دد و دیو و بهیمه
کنزل را بود این نقطه اسفل	که شد با نقطه وحدت مقابل

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۳۲۳ و ۳۲۴)

این بیت اشاره به آیه ۵ شوره تین دارد که می‌فرماید: «ثم رددناه اسفل الستقلین» در نظر شبستری آخرین مرتبه تنطل انسان در واقع سقوط در مرحله جسمانی می‌باشد. این مسئله درست در تقابل با نقطه وحدت قرار گرفته است. در این تمثیل شاعر وحدت را به نقطه ای واحد تشبیه می‌کند و در برابر آن رذایل را در نقطه اسفل یعنی ماهیت جسمانی انسان می‌داند. و بیان می‌دارد که نزول انسان در پایین‌ترین نقطه اسقوطش در زشتی‌ها و بدی‌ها او را از مرتبه یگانگی دور کرده و در واقع نقطه وحدت درست در مقابل با نقطه اسفل به‌عنوان سقوط در آن مطرح است. همچنین می‌گوید:

مجموعه جمیع صفات است ذات ما دیویم و هم فرشته و هم نور و ظلمتیم

«مرتبه انسانی در دایره وجود، نقطه اخیر قوس ظهور است و مقابل نقطه وحدت واقع است» (لاهیجی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). در این تمثیل می‌توان نتیجه گرفت که در واقع پست‌ترین نقطه تنزل هر موجود صفت‌های بد اوست که در سنت در مقابل نقطه وحدت الهی می‌باشد و این سقوط در برابر وحدت انسان را به پایین‌ترین مرحله یعنی اسفل‌السافلین می‌رساند که درست در تضاد با نقطه اوج وحدت قرار دارد.

«مقام و مرتبه انسانی در دایره وجود، همچون آخرین نقطه قوس سعودی دایره است که در پایین‌ترین جای و در مقابل نقطه وحدت که اصل و مبدا آفرینش است قرار دارد» (محمدی باغملایی، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

شیخ در بیت دیگری از گلشن راز با تکرار همین مضمون، در این تمثیل با خطاب به انسان تأکید می‌کند که در برابر نقطه وحدت در آخرین مرتبه هستی قرار گرفته چون در مرحله پایانی خلقت آفریده شده است و می‌گوید:

تویی در دور هستی جزو اسفل تویی با نقطه وحدت مقابل

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۵۲۵)

«جزو پایانی و آخرین پدیده هستی تو هستی و در برابر نقطه اوج وحدت مانده‌ای و در پایین‌ترین مرحله آفرینش قرار گرفته‌ای» (ثروتیان، ۱۳۸۸: ۲۲۶).

قدس وحدت

جناب قدس وحدت دیر جان است که سیمرغ بقارا آشیان است

(شبستری، ۱۳۸۶، بیت ۹۳۱)

شاعر در این تمثیل جان را به معبدی تشبیه کرده است که آستانه پاک وحدت الهی عبادتگاه آن است یعنی اگر کسی پایداری در درگاه الهی را می‌خواهد باید از جان او را عبادت نماید و این محل نیایش در تجرد از خلق و در بلندای مکان سیمرغ است؛ بنابراین کسی که پایداری در پیشگاه الهی را بخواهد باید به مجردبودن رسیده و از تجمع دوری

کند و چون معتکفی در آشیانه سیمرغ به عبادت بپردازد تا به درگاه قدسی وحدت و یگانگی دست یابد در این تمثیل بقا و جاودانگی به سیمرغ تشبیه شده است که در آستان مقدس وحدت با عبادت می‌توان به آن دست یافت. «یعنی آستانه مقدس وحدت ذاتی که از لوث کثرات پاک و منزله است به منزله دیر و معبد جان و روح انسانی است.» (امینی لو، ۱۳۸۳: ۳۷۸).

۵. عرفان در تزئینات معماری گنبد سلطانیه

شاخص‌ترین اثر تمدنی ایران در عصر اسلامی با عنوان بلندترین گنبد آجری جهان ۷۰۰ سال است که در بین دشت وسیع بادخیزی با اقلیم سخت با عظمت و پایدار خودنمایی می‌کند. راز پایداری این بنا در میان جریان‌های هوایی حاصل از جغرافیای منطقه، بدون تردید ناشی از به‌کارگیری سازه‌ای کاملاً مهندسی شده بر پایه علم آیرودینامیک در معماری آن است. این علم امروزه جهت استقامت و پایداری بناها در سازه‌های عمرانی به‌کار گرفته می‌شود (میرحسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۹۶). سلطانیه بین سالهای ۷۰۳ تا ۷۱۳ هجری قمری به دستور سلطان محمد خدابنده در شهر سلطانیه که پایتخت ایلخانیان بود ساخته شد و از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی به‌شمار می‌رود. گنبد سلطانیه در آثار میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. این بنا اولین گنبد بزرگ آجری جهان قبل از گنبد کلیسای سانتا ماریا است که توسط مغول‌ها ساخته شده است.



تصویر ۱. گنبد سلطانیه، دوره ایلخانیان

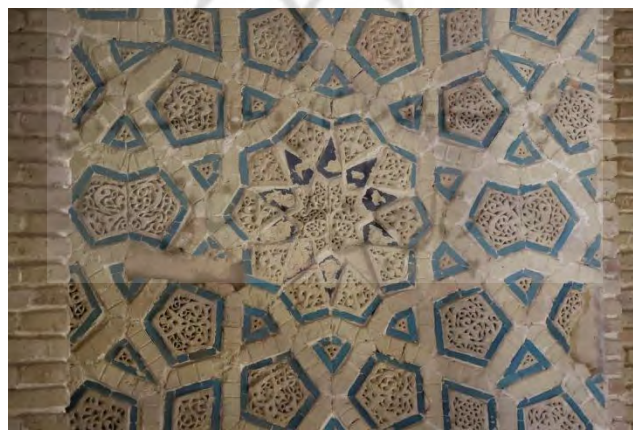
معماری آذربایجان در سده هفتم هجری نمود شکوه هنر اسلامی در ایران بوده که با وقوع تحولات سیاسی و مذهبی در دوره ایلخانی و تغییر در اسلوب‌های پیشین به‌ویژه در آرایه‌پردازی و تزئینات ابنیه، با زیبایی و غنای بیشتری بروز یافته‌است. مضامین عرفانی نهفته در آرایه‌های هندسی، نشان‌دهنده تأثیرپذیری آرایه‌های هندسی گنبد سلطانیه از عرفان است. افزون بر مفاهیم نمادین متجلی در نقوش هندسی، همراهی این نقوش با اسماء الهی و نام انبیاء و اولیا و

مضامین قرآنی، گواه دیگری بر تأیید نقش عرفان در آرایه‌پردازی‌های این اثر معماری است (کوره پز، بلیان، ۱۴۰۱: ۱۴۱). تصویر شماره ۲ از جمله نقوش هندسی و گیاهی در تزئینات معماری گنبد سلطانیه است که وحدت را به نمایش گذاشته است.



تصویر ۲. وحدت در نقوش تزئینی گنبد سلطانیه، دوره ایلخانیان

در گنبد سلطانیه مفاهیم و معانی به صورت‌های کالبدی (در غالب فرم بنا و سلسله‌مراتب شکل‌گیری فضاها)، نمادهای مذهبی (همچون شمسه‌ها، اجرام آسمانی)، اشکال خطی (اسما و آیات الهی)، رنگ‌ها (جهت خلق حس متناسب با فضا) در آرایه‌ها نمود پیدا کرده‌اند. تصویر شماره ۲، نمونه‌ای از این اشکال خطی و شمسه را منعکس ساخته است.



تصویر ۳. نمونه‌ای از این اشکال خطی و شمسه در تزئینات گنبد سلطانیه

به‌کارگیری اعداد مقدس، نمادها و اشکال مذهبی در ساختارهای فضایی و کالبدی بنا موجب گردیده است تا ارتباط معنوی میان عالم خاکی (مادی) و نور (معنوی) ایجاد گردد. همچنین آرایه‌های بنا در ۵ سطح: اشکال هندسی (مربع، هشت‌وجهی و دایره)، اعداد (۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۲۳، ۴۰، ۴۲ و ... ۱۱۰) اسما مقدس الله، محمد(ص)، علی(ع) و

مفاهیم دینی اهل سنت، کاربری فضاها، آیات و احادیث قرآنی در غالب خطوط بنایی در آرایه‌های گنبد سلطانیه مؤثر بوده‌اند، دسته‌بندی می‌گردند (بلیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷). تصویر شماره ۴، نمونه‌ای از حس وحدت در ساختار فضایی در گنبد سلطانیه را منعکس ساخته است.



تصویر ۴. وحدت در فضای داخلی معماری گنبد سلطانیه

نتیجه‌گیری

تمثیل در حوزه ادبیات عرفانی در تبیین و تفهیم مفاهیم عارفانه کارکرد مهمی داشته و از ویژگی‌های سبکی در کلام عارفان استفاده از زبان تمثیل است. در این میان، تمثیل وحدت در میان اصطلاحات عرفانی، نمادی از تجلی یگانگی در ذات مقدس خداوند بی همتاست، چنان‌که منشاء تمام موجودات و پدیده‌ها در این جهان یکی بوده و بازگشت آن‌ها نیز صرفاً به همان مبداء واحد می‌باشد؛ به طوری که تنها حقیقت واحد فقط یکی است و آن وجود ذات مطلق الهی است. از دیدگاه عرفای معتقد به وحدت، حق مظهر خلق و خلق نیز مظهر حق است و جهان هستی هم جلوه‌گاهی از نمود یگانگی خداوند و نتیجه تجلی احدیت است از این حیث تمثیل وحدت از بین اصطلاحات عرفانی نمونه‌ای از تعبیر مخصوص به این عقاید در میان عارفان معتقد می‌باشد.

در میان عرفای بزرگ شیخ محمود شبستری در اثر نفیس و ارزشمند گلشن راز، تمثیلات و اصطلاحات عرفانی مختلف را به کار برده که از آن میان تمثیل وحدت از اهمیت زیادی برخوردار است. شیخ این تمثیل را همچون عرفانی دیگر

در نمود یکی از دانستنی هستی و وجود می‌داند ولی در عقاید خاص خود حتی کثرت را نفی نموده و آفرینش انسان و جهان و تمامی کائنات را در حقیقت واحدی جستجو می‌کند. در نظر وی این جهان به‌عنوان تجلی قدرتی یگانه و بی‌همتا آفریده شده که آن حقیقت واحد تنها ذات اقدس الهی است که واحد بوده و دوگانگی و کثرت و تعیین در آن راهی ندارد. وی در گلشن راز وجود کثرت را در مقابل وحدت عامل اختلاف معرفی می‌کند و از این حیث تمام کثرات و تعینات را نفی نموده و همه‌چیز را در وجود واحد مطلق می‌بیند. از منظر شیخ انسان به‌خاطر رسیدن به حقیقت حق، باید با طی مراتب سیر و سلوک به فنا رسیده و به عین وحدت یعنی یکی‌بودن و یکی‌شدن دست یابد تنها در این صورت است که به مصداق قطره و دریا همه‌چیز می‌تواند واحد تجلی پیدا کند. در نظر وی همه کثرات و تعینات در واقع به یک حقیقت واحد منتهی می‌شود و غیر از وجود حق، موجود دیگری وجود پیدا نمی‌کند. هرچه در این دنیا هست تنها نمودی ظاهری از وجود حقیقی خداوند بی‌همتاست و حقیقت واحد به‌واسطه وحدت در کائنات و هستی، تنها خداوند متعال می‌باشد.

در تبیین این مفاهیم، تمثیل عرفانی وحدت از میان سایر اصطلاحات عرفانی در گلشن راز نمود خاصی دارد و به‌خصوص در تقابل با کثرت و نیز به‌کارگیری سایر ترکیبات این تمثیل، شیخ شبستری در این اثر تعبیر مهمی را بیان کرده است. مطالعه ماهیت تزئینات معماری گنبد سلطانیه نیز حاکی از این است که تمثیل وحدت در نقوش هندسی و نقوش گیاهی به زیبایی ترسیم شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع و مأخذ:

کتاب‌ها

- امینی‌لو، حسن. (۱۳۸۳). هزار گنج، شرح مثنوی گلشن راز. تهران: انتشارات کیمیا.
- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۸). شرح ساده گلشن راز. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- دزفولیان، کاظم. (۱۳۸۹). شرح گلشن راز. تهران: نشر آفرینش.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۷۹). مرصادالعباد. محقق و مصحح: محمدامین ریاحی، چ هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- زمانی، رجب علی. (۱۳۸۰). شرح اجمالی از اشعار گلشن راز شبستری. تهران: نشر جرس.
- سجادی، جعفر. (۱۳۶۲). فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: انتشارات ظهوری.
- شبستری، شیخ محمود. (۱۳۶۸). مثنوی گلشن راز. تهران: نشر اشراقیه.
- کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۸). اصطلاحات صوفیه. تهران: انتشارات بیدار.
- گوهرین، صادق. (۱۳۸۳). شرح اصطلاحات تصوف. تهران: انتشارات زوار.
- لاهیجی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۵). مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز. تهران: انتشارات محمودی.
- لوپزن، لیونارد. (۲۰۰۰م). فراسوی ایمان و کفر شیخ محمود شبستری. ترجمه: مجدالدین کیوانی، تهران: انتشارات سعدی.
- مجابی، احمد. (۱۳۷۱). گلشن راز سروده شیخ محمود شبستری. تهران: انتشارات ما.
- محمدی باغملاتی، محمدکاظم. (۱۳۸۹). حدیث بی کم و بیش (شرح گلشن راز). تهران: انتشارات پارسیان.
- موحد، صمد. (۱۳۷۱). مجموعه آثار شیخ محمود شبستری. تهران: انتشارات گلشن.
- نوربخش، جواد. (۱۳۷۹). فرهنگ نوربخش با اصطلاحات تصوف. تهران: چاپ اورامان.

مقالات

- بلیان، لیدا؛ حسن پور لمر، سعید و فیاض مقدم، حنا. «تأویل مفاهیم عددی و رموز هندسی نهفته در تزئینات و معماری گنبد سلطانیه». نگره، شماره ۶۲، ۸۰-۵۷.
- کوره‌پز، رعنا؛ بلیان، لیدا. (۱۴۰۱). «تجلی مضامین عرفانی در نقش مایه های هندسی در مکتب تبریز: گنبد سلطانیه». تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۴۱، ۱۶۷-۱۴۱.
- میرحسینی، فهیمه؛ شعبانی صمغ‌آبادی، رضا؛ سعیدی، محمدرضا و خمسه، هاید. (۱۴۰۱). «جایگاه علم مهندسی سیالات در بلندترین گنبد آجری جهان (گنبد سلطانیه)». مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۷، ۶۱۵-۵۹۶.